



حدیث پژوهی

علامه موسوی سبزواری

دکتر فتحیه فتاحی زاده
استادیار دانشگاه الزهراء (س)



◀ چکیده

عبدالاعلی موسوی سبزواری (۱۳۲۹/۱۳۲۸-۱۴۱۴) از محدثان و عالمان برجسته عصر حاضر و دارای آثار گران سنگی در زمینه دانش‌های مختلف دینی است. در این میان، کتاب *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است زیرا اندیشه‌های حدیثی علامه موسوی سبزواری را می‌توان در این اثر به خوبی مشاهده کرد. علامه روایات را شارح *قرآن* می‌داند و به همین دلیل در بیان معانی و یا تعیین مصادیق آیات به روایات استناد می‌کند.

برای رفع ابهام از روایات یا حل تعارض میان آن‌ها، شیوه‌هایی از قبیل توجه به دلالت الفاظ، پرداختن به معانی مجازی و کنایی و نیز تأویل احادیث در کلمات علامه قابل بررسی است. جایگاه نقد در حوزه حدیث پژوهی علامه بیانگر آن است که وی به روایات معارض *قرآن*، سنت و عقل اعتماد نمی‌کند و در بررسی روایات، صحت سند را ملاک پذیرش حدیث نمی‌داند و با دقت در محتوای حدیث، نظر قطعی خود را در این باره می‌دهد و گاه به رد حدیث و طرح آن حکم می‌کند.

◀ کلیدواژه‌ها

علامه موسوی سبزواری، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، نقد حدیث، روش‌شناسی.

بیان مسئله

سید عبد الاعلی موسوی سبزواری از مفسران و محدثان عصر حاضر (۱۳۲۹/۱۳۲۸-۱۴۱۴) دارای آثار ارزشمندی در علوم مختلف دینی است که مهم‌ترین آن‌ها *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* و تعلیق بر تفسیر صافی می‌باشد. علامه در نقل روایات و استناد به آن‌ها از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت استفاده کرده است؛ آثاری چون *تفسیر قمی*، *تفسیر عیاشی*، *تفسیر منسوب به امام حسن عسکری*، *مجمع البیان*، *کافی*، *معانی الاخبار*، *نهج البلاغه* و *امالی شیخ مفید* از مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه و کتب صحاح ست، *الدر المنثور*، و *اسباب النزول* واحدی از مهم‌ترین منابع حدیثی اهل سنت است؛ اما بررسی اینکه علامه در نقل روایت از این آثار تا چه میزان به آن‌ها اعتماد کرده است، مجالی دیگر می‌طلبد. در این نوشتار، دربارهٔ اندیشه‌های حدیثی علامه سبزواری در کتاب *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن* بحث و به دو سؤال اساسی پاسخ داده شده است: اول اینکه، نوع استناد ایشان به روایات و نقش وی در تبیین حدیث و یا حل تعارض میان آن‌ها چگونه است؟ دوم آنکه، معیارهای نقد حدیث از نگاه علامه کدام است؟

۱. استناد علامه به روایات

علامه روایات را تنها شارح قرآن می‌داند و نیز بر این است که قرآن، متن سنت است و برای فهم متن باید به سنت رجوع کرد. (ر.ک: موسوی سبزواری، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۴۸) با توجه به این رویکرد، در تفسیر آیات فراوانی به روایات استناد کرده و از سنت معصومان(ع) بهره برده است. شیوه بهره‌مندی علامه از روایات را می‌توان در دو بخش بیان معنا و تعیین مصداق بررسی کرد.

۱-۱. بیان معنا

برخی از روایات، دلایل و مقاصد آیات را که در تبیین آن‌ها بسیار مفید و مؤثر است، بیان نموده؛ البته در روایات گاه معنای ظاهری و گاه معنای باطنی که فراتر از ظاهر لفظ است، مورد نظر می‌باشد.

حدیث‌پژوهی علامه موسوی سبزواری □ ۶۱

روایاتی از چهره‌ظاهری آیات رفع ابهام نموده، از جمله امام باقر(ع)، درباره‌ی آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰) می‌فرماید: «بر انجام فرائض صبر کنید و در مقابل دشمن شکیباً باشید و با امام منتظر، پیوند برقرار کنید. نیز امام صادق(ع) «صابروا» را به «صابروهم علی الفتنه» معنا کرده است (شیخ صدوق، ۳۸۵ق، ص ۳۶۹) و علامه موسوی سبزواری آن را تقیه در مقابل دشمن می‌داند. (ر.ک: موسوی سبزواری، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۱۷)

نیز ابوصالح ذیل آیه «لَیْسَ الْبِرُّ بِاَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَکِنَّ الْبِرَّ مِنْ اَتَقَى وَ اَتُوا الْبُیُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ...» (بقره: ۱۸۹) از ابن عباس روایت کرده که در عصر جاهلی، هرگاه مردی احرام می‌بست اگر صاحب‌خانه بود، سوراخی از پشت خانه ایجاد می‌کرد و از آنجا رفت و آمد می‌نمود و اگر چادرنشین بود، از پشت خیمه وارد می‌شد، اما آیه شریفه، این عمل جاهلی را باطل کرده است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۸)

البته روایات مربوط به تفسیر و بیان معنای آیات به این حد خلاصه نمی‌شود، بلکه گاهی از معنای ظاهری فراتر رفته و به بطنی از بطون آیه پرداخته است. در مورد آیه پیشین، روایتی از امام باقر(ع) نقل شده: «وَأَتُوا الْبُیُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا» یعنی «أَنْ یَأْتِیَ الْاَمْرَ مِنْ وَجْهِ اَیِّ الْاُمُورِ کَانَ» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۰۵) یعنی اینکه باید هر کاری از مجرای صحیح و درستش انجام شود، که معنای ظاهری الفاظ در آن مراد نیست بلکه بنا به گفته‌ی علامه موسوی سبزواری، پیام این آیه، یک معنای کلی است که از بطن آن استنباط می‌شود. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۸)

در تفسیر «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مِنْ اَحْسَنِ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً» (بقره: ۱۳۸) از صادقین وارد شده که مقصود از صبغه، پیمان مؤمنان در مسئله ولایت است. (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۸۱) علامه موسوی سبزواری این معنا را به عنوان بطنی از بطون آیه پذیرفته و معتقد است «صِبْغَةَ اللَّهِ» مراتب زیادی از جمله مرتبه اسلام و ایمان را نیز شامل می‌شود. (ر.ک: ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۲)

۱-۲. تعیین مصداق

دسته‌ای از روایات، مفهوم آیه را در فرد خاصی و یا جریان مشخصی جست‌وجو کرده‌اند. برخی از مفسران، رویکرد این دسته از روایات را «جری و تطبیق» نامیده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴) مبنای این نامگذاری روایاتی است که بر جریان داشتن قرآن در طول زمان دلالت دارد. (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۷۹/ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۶۲۷-۶۲۸/ عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۰) از امام صادق(ع) روایت شده: «تأویل قرآن در طول زمان، بسان خورشید و ماه جاری است.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۲) بر این اساس، علامه موسوی سبزواری روایات تطبیقی را از مورد نزول آیه خارج می‌داند و آن‌ها را از قبیل تعبیر کلی به فرد معرفی می‌کند. اینک به بیان مواردی از این نوع روایات می‌پردازیم:

روایاتی از فریقین درباره «اهدنا الصراط المستقیم» وارد شده که به راه انبیا و نیز راه پیامبر و خاندان رسول خدا و یا محبت به خاندان پیامبر(ص) تفسیر شده است. همچنین «غیرالمغضوب علیهم» به یهود و «لا الضالین» به نصاری تفسیر شده است. (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۲۹) علامه موسوی سبزواری تمامی این روایات را از قبیل تعبیر کلی به فرد یا بیان مصداق می‌داند. (ر.ک: ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۵۱)

از امام عسکری(ع) در معنای «الذین یؤمنون بالغیب» وارد شده که مقصود، ایمان آوردن به هر آن چیزی است که از حواس انسان مخفی است مانند ایمان به بعثت، بهشت و دوزخ، قیامت و حسابرسی و... (امام عسکری، ۱۴۰۹ق، ص ۷۱) از امام صادق(ع) نیز نقل شده که مقصود، ایمان به قیام قائم است. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۲۳)

علامه موسوی سبزواری چون بسیاری از این روایات را از باب تطبیق می‌داند، در بیان معنای این آیه می‌نویسد: «غیب، شامل امور غیر محسوسی می‌شود که بشر را به سوی خدا فرا می‌خواند.» سپس آیه را بر عصر خود تطبیق داده و می‌فرماید: «در عصر حاضر، ایمان مسلمانان به پیامبر اسلام(ص) و سایر انبیا از مصداق ایمان به غیب است.» (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۷۲)

همچنین در کافی، از صادقین(ع) درباره آیه شریفه «سَيَطُوفُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (آل عمران: ۱۸۰) گزارش شده

حدیث پژوهی علامه موسوی سبزواری □ ۶۳

است: «کسی که زکات مالش را نپردازد، خداوند در روز قیامت از دهای آتشین بر گردنش می‌آویزد و تا بعد از حسابرسی این ازدها از گوشت او می‌بلعد.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۵۰۲)

در تفسیر عیاشی نیز آمده که پیامبر درباره این قول خداوند فرمود: «کسی که زکات مال نخلستان، زراعت و تاکستان خود را نپردازد، زمین او در هفت زمین پیچیده شده و تا قیامت بر گردنش آویخته می‌شود.» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲)

علامه موسوی سبزواری می‌نویسد: «روایات به این مضمون بسیار است و همه اینها از باب مثال و ذکر مصداق است و الا آیه بر هر مسئله‌ای که مصداق بخل و منع از فضل الهی باشد، صدق می‌کند؛ البته منع از زکات از مهم‌ترین مصادیق بخل است. (۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۱۲۴-۱۳۳)

البته بخش دیگری از روایات به بیان مصداق باطنی پرداخته و مفهوم آیه را بر بطنی از بطون تطبیق داده‌اند.

امام باقر(ع) در تفسیر «آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا» (بقره: ۱۳۶) می‌فرماید: «مقصود از "ما انزل الینا"، علی(ع)، فاطمه(س)، حسنین(ع) و امامان بعدی است.» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۸۱) موسوی سبزواری این روایت را از مصادیق باطنی برشمرده و می‌گوید: «با تعمیم آیه به تمام مؤمنان تنافی ندارد.» (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۶۶) و با درباره «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» (بقره: ۱۸۹) که به معنای باطنی آن اشاره شد، از امام صادق(ع) وارد شده: «الاولیاء هم أبواب الله التي منها یوتی و لولاهم ما عرف الله عزوجل و بهم احتج الله تبارک و تعالی علی خلقه.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۹۳)

علامه موسوی سبزواری می‌نویسد: «هم‌سیاق این روایات، روایات متواتر دیگری نیز هست و هر کس که بصیرت داشته باشد، معنای روایت را می‌فهمد و درمی‌یابد که مقصود، شناخت حقیقی پروردگار است که تنها در پرتو راهنمایان حقیقی امکان‌پذیر است و امامان معصوم(ع)، بشر را به نحو مطلوب با خدا آشنا می‌کنند.» (۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۱۸-۱۲۰)

در روایت امام صادق(ع) درباره «أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹)،

مصدق باطنی «لَا عُنُونَ» اهل بیت (ع) معرفی شده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۷۶) علامه موسوی سبزواری ضمن تأیید این معنا، چنین استدلال می‌کند: «امامان گواه بر مردم‌اند و چون اعمال مردم بر آن بزرگواران عرضه می‌شود، طبعاً لعنت‌کنندگان هم آنان خواهند بود.» (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۳)

در آیه «قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَتُذَلِّقُ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (آل عمران: ۲۶) عبد الاعلی از امام صادق (ع) سؤال می‌کند: «آیا خداوند، ملک را به بنی‌امیه ارزانی فرمود؟» امام می‌فرماید: «مگر نه این است که ملک را از آنان گرفت زیرا خداوند، ملک حقیقی را به ما اهل بیت عطا فرموده، اما بنی‌امیه آن را غصب کردند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۸، ص ۱۲۴)

علامه موسوی سبزواری، دلالت آیه را که شامل هر ملکی اعم از حقیقی و ظاهری می‌شود، عام دانسته؛ به همین دلیل، برای راوی این اشتباه صورت گرفت که ملک ظاهری بنی‌امیه هم یکی از مصادیق آیه باشد. لذا امام اندیشه او را اصلاح نمود و مصداق باطنی آیه را یادآور شد و اینکه ملک حقیقی به امامان (ع) تعلق دارد. (همان، ج ۵، ص ۱۹۱)

اما از مجموع استندهای علامه به روایات، چند مطلب اساسی قابل برداشت است:

الف) مخصص ندانستن مورد نزول

احکام و معارف قرآن کریم اختصاص به زمان یا فرد خاصی ندارد، بلکه در تمامی عصرها و نسل‌ها جریان دارد. بر این اساس، نباید معنای آیات را به مورد نزول منحصر کرد.

اغلب مفسران و قرآن‌پژوهان به عموم الفاظ آیات تمسک می‌کنند و مورد نزول را مخصص حکم کلی آیه نمی‌دانند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۷۲/ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۱/ حجتی، ۱۳۶۹ق، ص ۱۰۳) گرچه افرادی مانند زرقانی، حکم عام آیه را به مورد نزول آن محدود می‌سازند و عموم لفظ را دخالت نمی‌دهند. بنابراین، حکم سایر مصادیق را از طریق قیاس و جز آن استنباط می‌کنند. (ر.ک: زرقانی، ۱۹۴۳ق، ج ۱، ص ۱۰۵-۱۰۶)

مرحوم موسوی سبزواری از جمله مفسرانی است که مبنای اکثریت را پذیرفته و معتقد است روایاتی که مورد نزول آیات را بیان می‌کنند، تصرفی در دلالت عام آیات ندارند. برای نمونه، روایات متعددی از منابع فریقین ذیل آیه شریفه «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره: ۲۷۴) وارد شده که سبب نزول آیه را درباره انفاق حضرت علی (ع) دانسته‌اند. (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۷۱/ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۵۵۱/ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۴۵/ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ص ۹۵) علامه موسوی سبزواری به اسباب دیگری که در مورد آیه نقل شده، پرداخته و در نهایت، مورد نزول آیه در باب انفاق علی (ع) را در رأس سایر روایات می‌داند؛ گرچه اسباب دیگر و موارد مشابه را هم در مراتب بعدی قرار داده که می‌توانند مصادیق آیه محسوب شوند. (ر.ک: ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۴۰۴-۴۰۵)

همچنین، به گزارش تفسیر قمی، امام باقر (ع) ذیل آیه «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجِهَ النَّهَارِ وَآكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران: ۷۲) می‌فرماید: «پیامبر (ص) وقتی وارد مدینه شد، به طرف بیت المقدس نماز گزارد. وقتی قبله به بیت الله الحرام تغییر یافت، یهود شاد شدند و گفتند: محمد وقت ظهر به سوی قبله ما نماز گزارد، پس به خدایی که این فرمان را داده، ایمان بیاورید، اما آخر روز کفر ورزید زیرا به بیت الله الحرام تغییر قبله داده است.» (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۰۵)

علامه موسوی سبزواری این روایت را بیان مصداق آیه می‌داند، اما حکم آیه را به مورد نزول اختصاص نمی‌دهد زیرا سبب نزول، مخصص حکم نیست. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۷۳)

گفتنی است مفاد برخی آیات، اختصاصی است. در این صورت، گرچه دلالت ظاهری آیه، عام است، مورد نزول را باید با توجه به معنای آیه مخصص آیه دانست، مانند آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ» (بقره، ۲۰۳) که به استناد روایات فریقین، در شأن حضرت علی (ع) وارد شده است. (ر.ک: حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۲۳/ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۴۳/ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ق، ج ۲، ص ۳۰۵) علامه

موسوی سبزواری، شواهد عقلی را هم مؤید همین معنا گرفته و سایر روایات اسباب نزول این آیه را در شأن صهیب^۱ و یا ابن ملجم جعلی می‌داند. (ر.ک: ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۶)

ب) عدم پذیرش نسخ اصطلاحی

در روایاتی به نسخ آیاتی از قرآن اشاره شده است. علامه موسوی سبزواری این موارد را نسخ اصطلاحی نمی‌داند و در دلالت این روایات تصرف می‌کند. از جمله در این سخن خداوند «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء: ۷) روایتی وارد شده که با آیه «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ» (نساء: ۱۱) نسخ شده است. (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۳۱)

موسوی سبزواری این روایات را از قبیل اجمال و تبیین می‌داند. بنابراین، قول مرحوم طبرسی را مبنی بر غیر منسوخ بودن آیه به این دلیل که مطابق با اصل و اجماع امامیه است، می‌پذیرد. (ر.ک: موسوی سبزواری، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۱۷)

نیز ذیل قول پروردگار «وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا» (نساء: ۱۵) آمده است که در جاهلیت اگر مردی مرتکب زنا می‌شد قدری مورد آزار قرار می‌گرفت، اما در مورد زن حکم بود که باید در خانه محبوس می‌ماند تا از دنیا می‌رفت. این حکم با آیه «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۲) نسخ شد. (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۳)

موسوی سبزواری می‌نویسد: «مقصود، نسخ مصطلح میان فقها و اصولیان نیست بلکه ابطال حکم جاهلی با تشریح جدید است.» (۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۷۴)

ج) استنباط از روایت

علامه موسوی سبزواری در استناد به روایات، گاه مسائل و مطالبی را استخراج

۱. صهیب بن سنان از اصحاب پیامبر(ص) است که در کتب رجال شیعی تضعیف شده است. (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۱۴۳)

نموده و بدین وسیله مقصود واقعی معصوم را تبیین کرده است. از جمله علی بن سوید از ابوالحسن (موسی بن جعفر(ع)) در مورد گواهی دادن و شهادت پرسش می‌کند. امام می‌فرماید: «برای خدا گواهی بده هر چند به ضرر تو یا والدین یا بستگان باشد، اما اگر خوف ضرر بر خویشاوندت داری، گواهی دادن لازم نیست.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۳۱۵)

موسوی سبزواری از این روایت، چند مطلب را استنباط می‌کند:

۱. گواهی دادن باید برای خدا باشد زیرا این نوع گواهی، سبب گسترش عدالت در جامعه می‌شود و عدل و قسط میزان الهی و از مظاهر صفات پروردگار است.
۲. خویشاوندی نباید مانع اجرای حق و عدالت شود.
۳. ذیل روایت دلالت دارد بر اینکه گاهی قاضی به حق داوری نمی‌کند، در نتیجه به صاحب حق ظلم می‌شود و یا مستلزم ضرر و زیانی بر مشهود علیه است. (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۱-۲۲)

در روایت دیگری ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم در خصوص آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا» (نساء: ۱۳۷) فرمود: «این آیه درباره کسی است که می‌داند شراب حرام است، اما آن را می‌نوشد یا حرمت زنا را می‌داند، اما مرتکب زنا می‌شود و نیز وجوب زکات را علم دارد، اما آن را نمی‌پردازد.» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۰۷)

مسائلی که علامه از این روایت استخراج نموده، دقت نظر علامه در رفع تعارض ظاهری روایت با آیه و نیز تعارض آن با سایر روایات را می‌فهماند.

۱. معصیت و گناه، مرتبه‌ای از کفر است. البته بین این روایت و روایاتی که ترک واجب و فعل حرام را موجب کفر نمی‌داند، تنافی وجود ندارد. زیرا روایت مورد بحث، مربوط به مرتبه ادنای کفر است و روایات نفی کفر مرتبه اعلی را منظور نظر دارد؛ گرچه ممکن است روایت، در مقام انکار اصل حکم باشد که انکار ضروری تلقی می‌شود. در این صورت، فقها اتفاق نظر دارند که چنین انکاری منجر به کفر می‌شود.

۲. سیاق آیه گرچه در مقام بیان مرتبه اعلای کفر است، تمسک امام به آیه در

کفر به فروع، قرینه است بر اینکه کفر وارد در آیه، عام است و شامل کفر به فروع هم می‌شود.

۳. ایمان باید بر مبنای حجت ظاهری باشد و در آن، مختار بودن شرط است. پس اگر کسی از روی اجبار دست از ایمان بردارد، مشمول آیه و حدیث نخواهد بود. (موسوی سبزواری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۶۴)

نیز از امام صادق(ع) وارد شده که رسول خدا(ص) یکی از والدین، و علی(ع) والد دیگر امت اسلامی است. ابوبصیر سؤال می‌کند که این مطلب در کجای قرآن آمده است؟ حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶) روایات دیگری قریب به همین مضمون وارد شده است. (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۶۸)

علامه موسوی سبزواری از این روایات، مطالبی را استنباط نموده و می‌نویسد:

۱. اطلاق پدر بر پیامبر(ص) و علی(ع) که علت غایی آفرینش‌اند، به این دلیل است که این دو نفس مقدس، مبادی تربیت، نشو و نما و هدایت امت به سوی کمال مطلق‌اند؛ پس این دو بزرگوار، پدر واقعی امت‌اند.

۲. آیاتی که احسان به والدین را توصیه می‌کنند، شامل پدر روحی و جسمی هر دو می‌شوند، بلکه احسان به پدر روحی چون جامع کمالات و صفات پسندیده است، بیشتر مورد تأکید است.

۳. از روایات فهمیده می‌شود که تنها کسانی شایسته مقام ابوت و پدری‌اند که کامل‌ترین و برترین صفات پسندیده را دارا باشند و این مقام نیز به پیامبر(ص) و علی(ع) و ائمه(ع) منحصر می‌شود. (۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۰۰-۲۰۱)

در مورد آیه «إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء: ۵۸) نیز روایات متواتری وارد شده که مقصود، امامان‌اند و در برخی روایات آمده که امام امانت را به امام بعدی بسپارد و در ادای امانتش کوتاهی نکند. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۷)

علامه این روایات را از باب تطبیق بر اکمل مصادیق دانسته و مسائلی را از آنها استخراج کرده است:

۱. شناخت امام بعدی و معرفی آن توسط پیشوای قبلی، مطابق با فطرت سلیم است و در آن، مصلحت عموم نهفته است زیرا مردم را از ضلالت و گمراهی حفظ می‌کند.
۲. امامت، امری ارزشی است و باید در شخص امام، شایستگی امامت که همان عصمت است، وجود داشته باشد.
۳. هر امامی حامل امانات الهی است و باید این امانات به امام بعدی که همین ویژگی‌ها را داراست، منتقل شود.
۴. امامان، بندگان خالص پروردگار بوده، وجودشان امانتی الهی در روی زمین است. (۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۳۲۹-۳۳۰)

(د) تعلیل روایت

گاهی در روایات، مسئله یا حکمی به طور کلی بیان شده بدون آنکه به علت آن تصریح شده باشد. علامه در برخی از این موارد، دلیل مسئله یا حکم را بیان نموده است. در روایتی امام رضا(ع) قائل به جبر را کافر و قائل به تفویض را مشرک معرفی کرده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۳۴۰)

مرحوم موسوی سبزواری، دلیل حکم را استخراج کرده و می‌گوید: «دلیل کفر قائل به جبر، آن است که ظلم را به خدا نسبت می‌دهد و معتقد است، خدا بنده را بر مبنای همین ظلم، عقوبت می‌کند. قائل به تفویض هم مشرک است زیرا به اراده‌ای مستقل در مقابل اراده الهی قائل است.» (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰)

یا در روایت نبوی (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۴۲) وارد شده عالمی که مورد سؤال واقع شود اما پاسخ ندهد و آن را کتمان کند، خداوند در آخرت لجامی از آتش بر او می‌بندد و این دانشمند کسی است که خداوند درباره‌اش می‌فرماید: «أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ» (بقره: ۱۵۹)

علامه، عذابی را که در این حدیث آمده است، با این بیان علت‌یابی می‌کند: «چون از بیان حقیقت در دنیا دم فرو بسته است و هوای نفس، لجام او از اظهار حق است، این لجام هوای نفس، به صورت لجامی از آتش در آخرت نمودار می‌شود.» (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۰۳)

نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «هر کس به خوردن میت، خون و گوشت خوک اضطرار پیدا کند و نخورد تا بمیرد، کافر است.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۲۱۶) علامه موسوی سبزواری، وجه کافر بودنش را مخالفت با پروردگار می‌داند زیرا خداوند امر به خوردن کرده، اما بنده امتثال ننموده است. پس مقصود کفر عملی است نه اعتقادی. (ر.ک: ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۷۴)

یا در تفسیر «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ» (بقره: ۱۲۱) امام صادق (ع) می‌فرماید: «هم الاثمه» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۵) موسوی سبزواری در تأیید این روایت استدلال می‌کند که چون ائمه (ع) عالم به حقیقت قرآن‌اند و بر طبق آن عمل می‌کنند، کامل‌ترین مصداق این آیه‌اند. (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۱۹)

۲. شیوه‌های رفع ابهام یا حل تعارض اخبار

اکنون پس از بیان انواع استنادهای علامه به روایات، لازم است به نقش این عالم بزرگ در تبیین احادیث پردازیم. علامه موسوی سبزواری در مواردی که روایات ابهام داشته و یا در تعارض با یکدیگر بوده‌اند، راهکارهایی را برای رفع ابهام و یا برطرف کردن تعارض اخبار به کار بسته است. در این نوشتار به مهم‌ترین راهکارهای علامه پرداخته می‌شود.

۱-۲. بیان معنای حدیث

در مواردی ظاهراً روایات در تعارض با یکدیگرند و علامه موسوی سبزواری با بیان معنای حدیث، تعارض را برطرف و روایات را با هم جمع می‌کند. از جمله در آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» (بقره: ۱۵۸) «لا جناح» در مقام بیان حکم سعی میان صفا و مروه نیست، بلکه در مقام رفع توهم حذر است زیرا در روایت آمده که پیامبر اسلام در صلح حدیبیه شرط کرد که برای سال بعد، بت‌ها از کعبه برداشته شود. (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۶۴) در روایت دیگری می‌گوید: «وقتی موسم حج فرا رسید و مسلمانان برای مناسک حج وارد بیت الله الحرام شدند، با بت‌هایی مواجه شدند که موجبات تردید

حدیث پژوهی علامه موسوی سبزواری □ ۷۱

آنان را فراهم نمود که آیا حج آنان عملی جاهلانه و مشرکانه است؟! (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۰) با این روایات به نظر می‌رسد که شرط پیامبر اسلام، عملی نشده است چون وجود بت‌ها در کعبه موجب تردید مسلمانان شد.

علامه موسوی سبزواری، تنافی ظاهری روایات را با بیان معنای حدیث برطرف می‌سازد و می‌گوید: «مقصود از اینکه در روایت آمده بت‌هایی در کعبه وجود داشت، این نیست که شرط مسلمانان در پیمان حدیبیه نادیده گرفته شده باشد، بلکه چه بسا اقدام به برداشتن بت‌ها کرده بودند، اما این چند بت از بقایای بت‌ها بوده است. (۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۹۳)

نیز در آیه «لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ» (بقره: ۱۹۸) در تفسیر عیاشی امام صادق(ع) فضل پروردگار را به خرید و فروش بعد از انجام مناسک معنا کرده است در حالی که در روایت امام باقر(ع) به غفران و آمرزش الهی تفسیر شده است. (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۱۵)

علامه موسوی سبزواری این روایات را در تنافی با یکدیگر ندانسته و فضل الهی را بر طبق روایاتی به رزق معنا می‌کند (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۳۱) و رزق را اعم از مادی و معنوی می‌داند. پس غفران الهی از مصادیق رزق معنوی به شمار می‌آید. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۶)

البته بیان معنای حدیث به رفع تعارض ظاهری خلاصه نمی‌شود، بلکه وجود ابهام در برخی روایات چه بسا موجب عدم فهم صحیح روایت شود. در این صورت نیز حدیث پژوهان خود را موظف می‌دانند تا پرده ابهام از چهره ظاهری روایت بگیرند و زمینه فهم نادرست نسبت به حدیث را برطرف سازند. علامه موسوی سبزواری نیز از جمله حدیث‌شناسانی است که به این مهم توجه نموده است.

در داستان خلقت حضرت آدم، روایتی از امام صادق(ع) در کافی وارد شده که «امر الله و لم یشأ و شاء و لم یأمر؛ امر ابلیس أن یسجد لآدم و شاء أن لا یسجد و نهی آدم عن أكل الشجرة و شاء أن یأكل منها و لو لم یشأ لم یأكل.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۱۵۱) از آنجا که ظاهر روایت، دال بر تغییر در ذات پروردگار است، شرح و بیان معنای حدیث، راه را به روی فهم صحیح روایت می‌گشاید. بنا به گفته موسوی

سبزواری اراده مخلوق شوق مؤکدی است که از تصور و تصدیق حاصل می‌شود، اما این معنا درباره اراده الهی مستلزم آن است که ذات پروردگار محل حوادث باشد و چنین چیزی محال است. بنابراین امامان معصوم (ع) اراده و مقدمات آن را از صفات فعل پروردگار می‌دانند نه صفات ذات. (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۸۹)

در تفسیر علی بن ابراهیم در بیان معنای «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ» (نساء: ۱۳۶) آمده است: «یا ایها الذین آمنوا أقرؤا و صدقوا.» (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۵۶) علامه موسوی سبزواری در توضیح این روایت می‌نویسد: «به وحدانیت پروردگار اقرار و رسولش را تصدیق کنید و معنای تصدیق پیامبر، عمل کردن به احکامی است که آورده؛ البته بعد از آنکه ایمان به خدا حاصل شد و الا تصدیق حقیقی نخواهد بود.» (بی تا، ج ۱۰، ص ۲۲)

در الدر المنثور، ذیل آیه «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء: ۱۳۹) از انس نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: «خداوند هر روز ندا می‌دهد من پروردگار عزیز شما هستم، پس هر کس عزت دنیا و آخرت را می‌خواهد باید که از عزیز اطاعت کند.» (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۳۵)

علامه موسوی سبزواری بر فرض صحت حدیث، مقصود از ندای الهی را نوعی الهام فطری به بندگان می‌داند تا مستلزم محذوری نباشد و عزت واقعی از آن خداوند است. خداوند که غالب است و هیچ‌گاه مغلوب نمی‌شود. اما اینکه طاعتش مستلزم عزت دنیا و آخرت است از باب ترتب مسبب بر سبب است، زیرا فرمانبرداری از عزیز بخشنده، مستلزم عزت در دنیا و آخرت است. (ر.ک: بی تا، ج ۱۰، ص ۶۴-۶۵)

نیز ابوالجارود در مجمع البیان، از امام باقر (ع) درباره این قول خداوند «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ» (مائده: ۷) نقل می‌کند: «مقصود از میثاق، مواردی است که پیامبر (ص) در حجة الوداع با مردم در میان گذاشت و آن عبارت از تحریم محرّمات، کیفیت طهارت و وجوب ولایت است.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۶۰)

علامه موسوی سبزواری در بیان معنای این روایت می‌نویسد: «مقصود از تحریم محرّمات، تخلیه از رذائل است، همان‌طور که مراد از طهارت، اعم از ظاهری و معنوی

است که تحلیه با آن محقق می‌شود و مقصود از ولایت مفروضه بر بندگان، راه صحیح واقعی است که سالک را به حقیقت می‌رساند و از راه‌های فاسد بازمی‌دارد و تنها در توان کسی است که با وحی پیوند کاملی داشته باشد، در نتیجه منحصر به پیامبر(ص) و امامان معصوم می‌شود چون اسرار شریعت به آنان سپرده شده است. بنابراین، تعیین ولایت علی(ع) برای حفظ دین، واجب عقلی است و علت مبقیه است و با لسان امتنانی که در آیه به کار رفته، تناسب دارد.» (بی‌تا، ج ۱۱، ص ۸۱)

۲-۲. بیان زبان کنایی روایت

آوردن عبارات در قالب‌های مختلف تشبیه، استعاره و کنایه در انتقال مقصود به خواننده نافذتر و رساتر خواهد بود. امامان معصوم نیز کم و بیش این قالب‌ها را در کلام خود به کار بسته‌اند، به‌ویژه در مواردی که از مسائل فراحی سخن به میان آورده‌اند. حدیث‌پژوهان نیز به فراخور استناد به این‌گونه روایات، تلاش نموده‌اند تا زبان استعاری و یا کنایی حدیث را شرح کرده و پرده ابهام از چهره روایات برگیرند. سدیر صیرفی از اصحاب امام باقر(ع) در تفسیر «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» از آن حضرت نقل کرده است که فرمود: «خداوند همه موجودات را به علم خود و بدون الگو و مثال آفریده است و آسمان‌ها و زمین هم از جمله موجودات است مگر این گفته خداوند را نشنیده‌ای که فرمود: وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۵۶)

علامه موسوی سبزواری استدلال امام به آیه را نوعی کنایه می‌داند از اینکه وقتی جز آب، چیز دیگری نباشد پس نمونه و الگویی نیست تا موجودات از روی آن ساخته شوند و یا کنایه از گسترش رحمت پروردگار است که آب را مایه حیات قرار داده است. (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۰۹)

نیز پیامبر(ص) فرمود: «ما خلق الله من بشر من بني ادم الا و قلبه بين اصبعين من اصابع الله، فإن شاء اقامه و إن شاء أزاغه.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ص ۴۸) روشن است که مقصود از «اصبعین» مفهوم ظاهری آن نیست، بلکه مقصود قضا و قدر الهی و ربوبیت پروردگار و این تعبیر کنایه از سهولت این فعل بر پروردگار است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۸۴)

در حدیث قدسی آمده: «الصوم لی و أنا اجزی به» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۶۳) موسوی سبزواری در توضیح روایت می‌نویسد: «اینکه روزه برای خداست زیرا امر قلبی بوده و فعل جوارح نیست، پس غیر از خدا کسی از آن اطلاع ندارد و زمینه اخلاص در آن نسبت به سایر عبادات بیشتر است.»

جمله «أنا اجزی به» کنایه از کمال پاداش است و کسی هم به آن آگاهی ندارد، نظیر «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ» (سجده: ۱۷) این در صورتی است که معلوم قرائت شود. اما بر فرض مجهول بودن، کنایه از قرب و نزدیکی روزه‌دار به پروردگار است، به طوری که محدود به حدی نمی‌شود. در این صورت ذات پروردگار، پاداش چنین عملی است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۱-۲۲)

انس از قول پیامبر در وصف نماز منافق روایت می‌کند: «تلك صلاة المنافق، يجلس و يرقب الشمس حتي إذا كانت بين قرني الشيطان قام فنقر أربعاً، لا يذكر الله إلا قليلاً» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۶)

علامه موسوی سبزواری فرمایش پیامبر(ص) را کنایه از سبک شمردن نماز و عدم بزرگداشت آن می‌داند که هیئت نماز انجام می‌شود نه حقیقت و روح آن، زیرا از نفس مطمئنه سرچشمه نگرفته است.

شاید مقصود از «قرنی الشيطان» تشبیه باشد زیرا انسان از شاخ حیوان هراسناک است. همچنین شیطان تمام اعوان و انصارش را هنگام طلوع و غروب خورشید بسیج می‌کند مانند حیوانی که برای دفاع از خود یا طعمه‌اش، تمام قوایش را در سر جمع می‌کند یا مقصود این است که شیطان هنگام طلوع خورشید خود را برای اغوای مردم مهیا می‌کند. یا مراد آن است که شیطان، مغلوب و محدود است و هرگاه بخواهد از حد خود تجاوز کند به عذاب الهی گرفتار می‌شود. نکته آخر اینکه شاید کنایه از محدودیت قوای شیطانی باشد که طلوع و افول دارد و استیلائی تام بر بندگان ندارد. (موسوی سبزواری، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۷۲-۷۳)

در تفسیر این گفته خداوند «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً» (نساء: ۱۵۹) از قول امام باقر(ع) وارد شده: «لیس من أحد من جمیع الادیان یموت إلّا رأي رسول الله(ص) و امیرالمؤمنین(ع) حقاً من الأولین و

الآخرین» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۱۰)

علامه موسوی سبزواری، کلام امام را تفسیر آیه نمی‌داند بلکه می‌گوید: «نوعی تشبیه و تمثیل است زیرا روایات زیادی دلالت دارد که مؤمن هنگام قبض روح و یا در عالم برزخ اولیای الهی را می‌بیند.» (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۴۳)

۲-۳. حمل بر تقیه

بنا بر مقتضیات زمانی، گاهی امام معصوم (ع) تقیه نموده است. البته در چنین مواردی، امام حکم واقعی را در جای خود اعلام کرده است و ما می‌توانیم با به کارگیری قواعد مربوط، خبر تقیه را از خبر حاوی حکم واقعی تشخیص دهیم. زیرا در تعارض این‌گونه روایات نوعاً مرجحی وجود دارد که تأیید یکی از طرفین تعارض به واسطه دلیل معتبر و یا مخالفت یکی از دو طرف تعارض با رأی عامه از آن جمله است.

علامه موسوی سبزواری تقیه را راهکاری برای حل تعارض روایات دانسته و نوعاً وجه تقیه را بیان نموده است. از قبیل موافقت با مذهب و قواعد عامه یا مخالفت حدیث با قول مشهور امامیه و سایر وجوهی که برای تشخیص روایات تقیه به کار می‌رود.

در روایاتی ازدواج با مادر همسر قبل از آمیزش تجویز شده است. منصور بن حازم، یکی از اصحاب امام صادق (ع) نقل می‌کند: «نزد امام صادق (ع) بودم که مردی خدمت آن حضرت آمده و درباره کسی که همسرش قبل از مباشرت از دنیا رفته، سؤال کرد که آیا این مرد می‌تواند با مادر همسرش ازدواج کند؟ امام فرمود: مردی از ما چنین عملی را انجام داد و ما ایرادی در آن ندیدیم.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵، ص ۴۲۲)

علامه موسوی سبزواری این روایت را حمل بر تقیه می‌کند زیرا با ظاهر آیه ۲۳ سوره نساء، روایات مستفیض و اجماع فقها که ازدواج با مادر همسر را به طور مطلق حرام کرده است، در تعارض می‌باشد. پس این روایت، قابل تمسک نیست. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۹)

نیز از امام صادق (ع) سؤال می‌شود درباره مردی که با کنیز دیگری ازدواج می‌کند، بدون آنکه مالکش بداند، حکمش چیست؟ فرمود: «زناست زیرا خداوند

می فرماید: **فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ**. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۵۱)
 علامه موسوی سبزواری این حدیث را موافق قواعد عامه می داند زیرا طبق
 مذهب عامه، ازدواج با کنیز غیر، نوعی تصرف در ملک دیگری است که بدون اجازه
 جایز نیست پس در صورت عدم اخذ اجازه قهراً زنا محسوب می شود. (ر.ک:
 ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۳۸)

نیز در تفسیر این قول خداوند **«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتَنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا»** (نساء: ۱۰۱) حریر صاحب کتاب الصلاة، از امام صادق (ع) نقل
 می کند که مقصود آن است که از دو رکعت نماز، یک رکعت آن کاسته
 می شود. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۴۵۸)

روایاتی دیگر و قریب به همین مضمون وارد شده که علامه سبزواری آن ها را بر
 تقیه حمل کرده زیرا مخالف با قول مشهور امامیه است و نیز موافق مذهب عامه؛
 البته حمل این روایات بر حالت اضطرار و شدت ترس را نیز خالی از وجه نمی داند.
 (موسوی سبزواری، بی تا، ج ۹، ص ۲۱۹)

در روایاتی، خوردن صیدی که توسط باز شکاری، عقاب و... کشته شود و
 فرصت ذبح آن نباشد، حرام شمرده شده مگر اینکه صیدکننده، سگ تعلیمی باشد.
 (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۶، ص ۲۰۴) روایاتی هم مصرف چنین صیدی را جایز شمرده اند.
 علامه موسوی سبزواری روایات جواز را موافق تقیه و معارض با روایاتی دانسته
 که از قوت بیشتری برخوردارند. مگر اینکه روایات دال بر جواز را حمل کنیم بر
 اینکه حیوان به صورت زنده صید و بعد هم ذبح شده است یا به دلیل وارد شدن
 جراحات بسیار، مجازاً عنوان کشته شدن بر آن اطلاق شده است.

بعد هم علامه به روایتی از امام صادق (ع) استناد می کند که ایشان تصریح کرده که
 پدرم در این باره تقیه فرموده است. (موسوی سبزواری، بی تا، ج ۱۰، ص ۳۷۲-۳۷۳)

۴-۲. بیان وجه یا وجوه مختلف حدیث

گاهی برای رفع تعارض میان روایاتی که تعارض ظاهری دارند، می توان هر
 روایت را بر وجهی حمل کرد به گونه ای که همسو بودن روایات فهمیده شود.
 علامه در مواردی از این روش بهره برده است.

جمیل بن دراج یکی از شاگردان امام صادق(ع)، از آن حضرت روایت می‌کند که هرگاه مرگ عالم فرا رسد، توبه او پذیرفته نمی‌شود. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۴۷) سپس به این آیه استناد کرده: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء: ۱۷)

علامه موسوی سبزواری، عالم را به شخص معاند و لجوجی معنا می‌کند که در مقابل پروردگار استکبار ورزیده است. پس وجه جمع میان روایات که برخی دلالت بر پذیرش توبه و برخی عدم پذیرش را می‌فهماند، آن است که زمان فرا رسیدن مرگ، توبه شخص عالم عامد و مستکبر مثل فرعون پذیرفته نیست چرا که انسان جاهل و غیر عامد توبه‌اش پذیرفته می‌شود. وی به روایات مختلفی در تأیید این وجه جمع استناد می‌کند. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۹۱-۳۹۲)

در کافی از امام صادق(ع) نقل شده: «هرگاه بر ذمه کسی دو ماه روزه پیاپی باشد، اگر در ماه اول افطار کند یا بیمار شود باید روزه‌هایش را از سر بگیرد، اما اگر ماه اول را روزه گرفت و در ماه دوم به دلیل عارض شدن عذری افطار کرد، در این صورت قضای روزه را می‌گیرد و از سر گرفتن روزه‌ها لازم نیست.» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۱۳۸)

علامه موسوی سبزواری، فرض از سر گرفتن روزه‌ها را بر افطار عمدی یا عارض شدن بیماری‌ای حمل کرده که مانع روزه گرفتن نیست، اما در صورت اضطرار اگر افطار کرده باشد قضای آن روزه کفایت می‌کند. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۸)

نیز ابوبصیر در کافی از امام صادق(ع) روایت می‌کند: «کل رایة ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یبعد من دون الله» (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸، ص ۲۹۷) روایات دیگری نیز قریب به همین مضمون وارد شده است.

علامه موسوی سبزواری وجه روایت را عدم امکان اجرای حق و عدالت اجتماعی به طور کامل می‌داند که در این صورت، حق با باطل مشتبه می‌شود؛ اما اگر دولت حق ظاهر شود، مجالی برای باطل و غیر حق نخواهد بود زیرا همان‌طور که در برخی روایات هم وارد شده، عقول و نفوس بشری به اشراقات ربانی کمال

یافته است؛ البته این روایات در تنافی با روایات دال بر وجوب قیام به تبلیغ و تطبیق احکام نمی‌باشد. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۹۷)

علامه موسوی سبزواری در مواردی برای رفع ابهام از ظاهر روایات، به بیان وجوه و احتمالات متعدد در تبیین حدیث می‌کوشد. از جمله، امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر عیاشی در مورد این قول خداوند «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ» (نساء: ۱۶۳) می‌فرمایند: «إِنِّي أَوْحَيْتُ إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْتُ إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ فَجَمَعَ لَهُ كُلَّ وَحْيٍ» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۱۱)

علامه موسوی سبزواری چند وجه را در این روایت محتمل می‌داند:

۱. وحی بر پیامبر(ص) با وحی بر سایر انبیا تفاوتی ندارد.
۲. وحی بر پیامبر کامل‌تر از وحی است که بر سایر انبیا صورت گرفته، به عبارت دیگر به دلیل اشرف بودن پیامبر(ص) بر سایر انبیا، قاعده سنخیت ایجاب می‌کند که وحی نازل شده بر او کامل‌تر باشد.
۳. احکام کلی و معارف الهی که بر سایر انبیا وحی شده، با اضافاتی بر پیامبر(ص) نازل شده است مانند حکم روزه.

۴. آنچه بر پیامبر نازل شده، به لحاظ احکام کلی و جزئی بدون هیچ تفاوتی همان است که بر سایر انبیا نازل شده است. البته وجه اخیر را علامه موافق سیاق آیات و نیز مطابق ظاهر روایت نمی‌داند. (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۸۱)

یا در تفسیر علی بن ابراهیم ذیل گفته پروردگار «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مائده: ۱۵) پیامبر(ص) می‌فرماید: «يُبَيِّنُ لَكُمْ النَّبِيُّ مَا أَخْفَيْتُمُوهُ مِمَّا فِي التَّوْرَةِ مِنْ أَخْبَارِهِ وَيَدْعُ كَثِيرًا لِأَيِّبِنِهِ» (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۱۶۴)

علامه موسوی سبزواری علت عدم بیان پیامبر(ص) را نسبت به آنچه در تورات آمده، در چند وجه جست‌وجو می‌کند:

۱. نظیر همین معارف در قرآن هم آمده است.
۲. مقصود احکامی است که در شریعت اسلام تغییر نکرده است.
۳. در بیان، تأخیری صورت گرفته تا اندیشه آنان با براهین ربانی تکامل یابد.

حدیث پژوهی علامه موسوی سبزواری □ ۷۹

۴. سایر وجوهی که ممکن است در این مقام گفته شود از جمله اینکه پیامبر، رسول رأفت و رحمت است. (بی تا، ج ۱۱، ص ۱۰۹)

۲- ۵. تصرف در معنای حدیث

مفاد برخی از روایات گویای این حقیقت است که برای پذیرش روایت باید در معنای آن تصرف کرد زیرا در چنین مواردی حمل لفظ بر معنای ظاهری چه بسا مستلزم امری باطل و بی اساس باشد. علامه موسوی سبزواری این گونه روایات را مورد توجه قرار داده و با بیان تأویل روایت و انصرافش از معنای ظاهری، آن را قابل قبول کرده است.

در *اسباب النزول* از قول ابن عباس وارد شده که پیامبر (ص) فرمود: «وقتی برادران شما در نبرد احد به شهادت رسیدند، خداوند ارواح آنان را در چینه دان پرنده سبز رنگی قرار داد که از نهرهای بهشت می گذشت و از میوه های بهشتی تناول می کرد. وقتی این همه آسایش و نعمت را چشیدند گفتند: «کسی از حال خوش ما برای برادرانمان در دنیا خبر بدهد تا آنان نیز در امر جهاد مشتاق شوند و از جنگ کناره نگیرند.» خداوند فرمود: «من پیام شما را خواهم رساند.» سپس این آیه ۱۶۹ سوره آل عمران را نازل کرد: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ص ۷۱-۷۲)

در *الدر المشور* نیز این روایت به طرق مختلف از ابن عباس و دیگران نقل شده است. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۹۶)

علامه موسوی سبزواری معتقد است این روایات را باید مطابق قواعد عقلی و نقلی به تأویل برد چون محصور کردن مؤمن در چینه دان پرنده، امری بعید به نظر می آید. از این رو ممکن است بگوییم مقصود از چینه دان پرنده، بدن های مثالی است که در آن دنیا این گونه متمثل می شوند. مشابه همین تأویل را علامه ذیل آیه ۱۵۳ سوره بقره نیز یادآور شده است. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۸۶)

نیز در *اسباب النزول* واحدی نیشابوری (ص ۱۰۳) ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵) وارد شده که این آیه درباره پیامبر (ص) نازل شده

زیرا ثروتمند و فقیری مخاصمه خود را نزد پیامبر آوردند و رسول خدا(ص) به نفع فقیر حکم کرد به این اندیشه که فقیر به غنی ستم نمی‌کند. لذا خداوند رعایت عدالت میان ثروتمند و فقیر را درخواست نمود و فرمود: «إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا قَالَ اللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (همان‌جا)

علامه برای رفع تنافی روایت مورد بحث با موضوع عصمت انبیا، دست به تأویل زده و می‌گوید: «چه بسا ترجیح فقیر به دلیل مصلحت ظاهری بوده و زمانی که مدت این مصلحت سرآمد، آیه نازل شد. پس مصلحت، دائمی نبوده بلکه موقت بوده است.» (بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۴)

سیوطی در الدرالمشور روایاتی نقل کرده که مضمون آن‌ها بر ذم انقیاد و ترک دفاع از خویشتن دلالت دارد و اینکه هابیل چون دفاع از خویش را ترک کرد، کشته شد. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۷۷)

علامه موسوی سبزواری این روایات را تأویل برده به موردی که دفاع نکردن از خویشتن مستلزم تضییع حق و تعدی به حدود الهی نشود و گرنه دفاع از نفس و یاری مظلوم و حفظ دین در برابر تجاوزگران که مورد تأکید شرع نیز هست، واجب عقلی است. در نهایت علامه می‌گوید: «اگر این وجه و تأویل پذیرفته نشود باید این دسته از روایات را کنار گذاشت.» (بی‌تا، ج ۱۱، ص ۱۹۶-۱۹۷)

۳. نقد حدیث

از آنجا که حدیث مشتمل بر سند و متن است، در دانش فقه الحدیث ملاک‌هایی برای اثبات صحت یا عدم صحت سند در نظر گرفته شده است که توجه به روایان حدیث و چگونگی سلسله سند از آن جمله است. معیارهایی هم در متن حدیث کاربرد دارد و می‌تواند در احراز صدور یا عدم صدور حدیث از معصوم راهگشا باشد.

۳-۱. نقد سندی و متنی

علامه موسوی سبزواری در تفسیر آیات به روایات توجه ویژه نموده، البته در بسیاری

از موارد با توجه به معیارهای شناخته شده به نقد و بررسی احادیث پرداخته است و در این جهت، گاهی به نقد سند و متن به صورت هم‌زمان پرداخته است از جمله:

- روایت ابن جهم که از قول امام رضا(ع) نقل کرده آن حضرت نسبت گناه به حضرت آدم را مربوط به قبل از نبوت می‌داند و اینکه بعد از نبوت گناهی از حضرت آدم سر نزده است. (شیخ صدوق، ۱۳۷۲، ج ۱۸، ص ۳۹۸)

علامه موسوی سبزواری روایت را از لحاظ سندی نقادی کرده و می‌نویسد: «راوی حدیث ابن جهم است که توسط علمای رجال تضعیف شده است؛ پس اعتباری به حدیثش نیست. اما از جهت متنی، سیاق روایت می‌فهماند که این روایت از معصوم صادر نشده است، بلکه منتسب به معصوم است زیرا در روایت آمده که حضرت آدم(ع) از درخت ممنوعه نخورد و این مخالف صریح آیه است. نیز ارتکاب گناه حضرت آدم را مربوط به قبل از نبوت می‌داند و این با اجماع امامیه در تعارض است زیرا اجماع امامیه بر عصمت انبیا به طور مطلق (قبل و بعد از نبوت) محقق شده است.» (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۹۱) سپس از نقد سندی و متنی، نتیجه می‌گیرد که این روایت را باید کنار گذاشت و قابلیت اعتنا ندارد.

- داستان ذبح گاو توسط بنی اسرائیل در روایات متفاوت نقل شده؛ برخی از روایات تصریح می‌کند که هر گاوی را بنی اسرائیل ذبح می‌کرد، پذیرفته می‌شد و در روایات دیگری، لحاظ خصوصیات لازم شمرده شده است. (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۷/ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۱۴/ بروسوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۰)

مرحوم موسوی سبزواری روایات دسته اول را نقد سندی کرده و می‌گوید: «این روایات، نقی السند نیست. علاوه بر این از نظر متنی هم روایات در مقام بیان خصوصیات نیست بلکه در مقام مذمت تعمق در خصوصیات تکلیف است» و در نهایت احادیث متعارض را این‌گونه جمع‌بندی می‌کند: «بنی اسرائیل اگر فرمان الهی را امتثال می‌کردند و در ویژگی‌های امر مورد امتثال این همه وسواس به خرج نمی‌دادند، چه بسا حکم مربوط به رعایت خصوصیات از آن‌ها برداشته می‌شد.» (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۹۱)

- در الدر المثنور از ابوسعید خدری نقل شده وقتی پیامبر(ص) در روز غدیر خم،

علی (ع) را به جانشینی برگزید، جبرئیل آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مائده: ۳) را آورد که در برخی روایات نزول این آیه را در روز عرفه دانسته‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۵۷) علامه موسوی سبزواری روایات دسته اول را متواتر و متفق المعنی می‌داند و اشکال برخی از مفسران را مبنی بر ضعف سند، نمی‌پذیرد و می‌گوید با وجود تواتر و بین‌الدلاله بودن روایات، این ایراد، قابل قبول نیست. علاوه بر این، علامه روایات دسته دوم را به نقد کشیده و می‌گوید این روایات، نقی‌السند نیست زیرا در سند حدیث، رجالی چون سمره و معاویه بن ابی‌سفیان حضور دارند و اینها هم که معلوم الحال‌اند. البته صرف نظر از این اشکال، علامه وجه جمع روایات را این گونه مطرح می‌کند: «چه بسا آیه در روز عرفه نازل شده، اما پیامبر (ص) بنا بر مصالحی ابلاغ آن را تا روز غدیر به تأخیر انداخته باشد.» (همو، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۳۴) البته موارد دیگری هم یافت می‌شود که علامه موسوی سبزواری با تمسک به نقد سندی و متنی به حل تعارض آن‌ها پرداخته است. (ر.ک: موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹۲؛ ج ۴، ص ۴۸۷ و ج ۵، ص ۱۷۲)

۲-۳. نقد متنی

علامه موسوی سبزواری با تکیه بر قواعد نقد متنی روایات را مورد بررسی قرار داده و این بررسی، گاه به حل تعارض و جمع میان روایات و گاه به طرد و رد احادیث انجامیده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۳. عرضه حدیث بر قرآن

روایاتی با این مضمون وارد شده که وقتی پیامبر مبعوث شد به وسیله روزه ماه رمضان بر سایر انبیا فضیلت یافت. علامه موسوی سبزواری ظاهر این روایات را با قرآن و نیز با روایاتی که بر روزه گرفتن انبیا و امت‌های پیشین در ماه رمضان دلالت دارد، مخالف می‌داند.

علامه، وجه جمع روایات را یادآور می‌شود که فضیلت پیامبر اسلام از آن است که در این ماه روزه گرفتن بر او واجب شد، اما برای سایر انبیا معلوم نیست در ماه رمضان به صورت وجوبی بوده باشد. (همان، ج ۳، ص ۲۲)

یکی از شاگردان امام صادق(ع) به نام حارث بن مغیره از آن امام درباره این گفته خداوند «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا» (نساء: ۱۵۹) نقل می‌کند: «مقصود، رسول خدا(ص) است.» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۱۰)

علامه موسوی سبزواری این روایت را با سیاق آیات و نیز با سایر روایات مخالف می‌داند، لذا روایت را بر این معنا حمل می‌کند که ایمان به حضرت عیسی(ع) مستلزم ایمان به رسالت پیامبر(ص) است. بعد هم به آیه شش سوره صف استناد می‌کند که حضرت عیسی(ع) بشارت به رسالت پیامبر(ص) داده است. پس برای اهل کتاب، نبوت پیامبر(ص) روشن شده است همان‌طور که می‌دانند عیسی(ع)، پیامبری از انبیای الهی است و شریعتش مانند سایر شرایع، حق است و بر اساس مقتضیات و شرایط عصری، شرایع راه کمال را پیموده‌اند و الا حقیقت شرایع، یکی است. (ر.ک: بی تا، ج ۱۰، ص ۱۴۰-۱۴۱)

مالک و عبدالرزاق در الدر المنثور، از قول عایشه نقل می‌کنند که در قرآن «عشر رضعات معلومات» بود که به وسیله «خمس معلومات» نسخ شد. پیامبر(ص) از دنیا رفت در حالی که این دو جزء آیات قرآن تلاوت می‌شدند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۵)

علامه موسوی سبزواری این روایت را به دلیل مخالفت با صریح آیاتی که دلالت بر تحریف‌ناپذیری قرآن دارد، رد می‌کند.

در مورد آیه «وَ رَبَائِبِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ» (نساء: ۲۳) روایات زیادی وارد شده که در حرمت ربائب، مباشرت با مادر شرط شده اما حجور شرط نشده است. اما در روایاتی از اهل سنت از قول علی(ع) شرط حجور در حرمت ربائب قید شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۳۶)

علامه موسوی سبزواری روایات اخیر را نمی‌پذیرد زیرا با مفاد آیه ۲۳ سوره نساء در تعارض است و نیز با روایات متظافری که حجور را قید حرمت ربائب نمی‌داند. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۱۷-۱۸)

گفتنی است از آنجا که عرضه حدیث بر قرآن به منظور تشخیص احادیث صحیح از غیر صحیح است، طبعاً اگر حدیثی با منطوق یا مفهوم آیات انطباق داشته باشد، دلیلی بر صحت آن حدیث خواهد بود. برای مثال، جمیل بن دراج از اصحاب

امام صادق (ع) درباره جنب از آن حضرت سؤال می‌کند که آیا می‌تواند در مسجد توقف کند؟ فرمود: خیر، اما به صورت مروری و گذر کردن اشکال ندارد مگر در مسجد الحرام و مسجد النبی. (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۳، ص ۵۰)

علامه موسوی سبزواری این حدیث را مطابق با آیه شریفه می‌داند و بیان می‌کند که حتی نمی‌توان به حالت جنب از این دو مسجد عبور کرد، زیرا این دو مسجد نسبت به سایر مساجد شرافت دارند. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۸، ص ۲۴۱)

۲-۲-۳. عرضه حدیث بر سنت

طبق آموزه‌های معصومان (ع) اساس دین، کتاب و سنت است (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۶۷-۶۸) و نیز هر یک از این دو، مبنای نقد و ارزیابی حدیث معرفی شده است. (همان، ج ۱، ص ۶۹)

علامه موسوی سبزواری این معیار را به کار بسته است. از جمله روایات اهل سنت را در مورد جواز روزه گرفتن مسافر نقل می‌کند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۲) سپس ذیل روایات می‌نویسد: «روایات به چند دلیل غیر قابل قبول است:

۱. سنت عملی بر روزه مسافر ثابت نشده است.
۲. در صورتی که مقصود روزه واجب باشد با روایات بسیاری در تعارض است.
۳. با اجماع اهل بیت در تعارض است.
۴. روایات دال بر تخییر یا رخصت روزه در سفر معلوم نیست از لحاظ تاریخی بعد از آیه صوم صادر شده باشد.

۵. تعارض با آیاتی دارد که افطار مسافر را لازم دانسته است. (۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹) نیز از قول بلال، جریر و... نقل شده که پیامبر (ص) را در حال مسح بر خفین مشاهده کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۶۳)

علامه موسوی سبزواری این نوع روایات را مطرود می‌داند زیرا نه تنها با روایات معصومان که دال بر عدم جواز مسح بر خفین‌اند، تنافی دارند بلکه با روایاتی که از طریق اهل سنت در الدر المنثور نقل شده است، نیز ناهمخوان‌اند. (ر.ک: ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۹) البته علامه احتمال می‌دهد که روایات جواز مسح بر مورد خاص حمل

شود و اینکه به سبب مصالحی مسح بر خفین انجام شده بعد هم مدت حکم به دلیل منقضی شدن مصلحت آن سپری شده است. (ر.ک: بی‌تا، ج ۱۱، ص ۴۳)

۳-۲-۳. عرضه حدیث بر شأن و مقام معصوم

علامه موسوی سبزواری روایات معارض با مقام عصمت را نمی‌پذیرد و صریحاً این‌گونه روایات را طرح می‌نماید. از جمله روایتی از ابن عباس در الدر المنثور وارد شده که فراموشی وحی را به پیامبر نسبت داده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۴) علامه این روایت را مخالف با مقام نبوت دانسته و می‌گوید هر آنچه بر پیامبر (ص) وحی می‌شد آن حضرت به طور کامل آن را به خاطر می‌سپرد و چیزی از آن را فراموش نمی‌کرد. (ر.ک: ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۷۷)

نیز در روایتی از ابن عباس نقل شده که شخصی سرقت کرد، اما اسباب اتهام به سرقت را برای دیگری فراهم نمود. از پیامبر (ص) درخواست نمودند که سارق را در میان مردم تبرئه کند و رسول خدا (ص) نیز چنین کرد، لذا آیات ۱۰۵-۱۰۷ سوره نساء نازل شد: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِثِينَ خَصِيماً» (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰۰) علامه این روایت را نیز به دلیل تنافی با مقام عصمت پیامبر نمی‌پذیرد و آن را کنار می‌گذارد. (موسوی سبزواری، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۶۵)

۳-۲-۴. عرضه حدیث بر عقل و قواعد عقلی

با توجه به جایگاه و اعتبار عقل در آیات و روایات، بسیاری از محدثان آن را به عنوان یکی از معیارهای نقد حدیث مورد توجه قرار داده‌اند. علامه موسوی سبزواری نیز روایتی را که با اصول و قواعد عقلی ناسازگار باشد، نمی‌پذیرد.

سیوطی در الدر المنثور روایاتی نقل کرده به این مضمون که قاتلی که از روی ظلم، دیگری را کشته بود، از دنیا رفت. وقتی او را دفن کردند زمین او را نپذیرفت و سه بار به رو به زمین برگشت. مردم حاضر وقتی با این صحنه روبه‌رو شدند، شرمسار شده و او را در گودالی پنهان کردند.

علامه موسوی سبزواری پذیرش این نوع روایات را به لحاظ عقلی دشوار می‌بیند و وجه آن را عبرت و پندآموزی می‌داند و گرنه زمین خبیث‌ترین افراد را

پذیرفته و در خود مدفون ساخته است. (ر.ک: بی تا، ج ۹، ص ۱۵۹-۱۶۰)
در مواردی نیز، وی برای تأیید روایت، مطابقت با ادله و قواعد عقلی را مطرح می‌کند.

در تفسیر عیاشی از امام صادق(ع) نقل شده: «اکثروا من أن تقولوا ربنا لاترغ قلوبنا بعد إذ هدیتنا و لاتأمنوا الزیغ.» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۸۷) علامه موسوی سبزواری بیان امام را مطابق ادله عقلی می‌داند؛ به این بیان که هر حادثی در بقا نیاز به علت دارد، همان‌طور که در اصل حدوث نیاز به علت دارد. پس اصل هدایت انسان نیز نیاز به بقا دارد تا منشأ اعمال شایسته شود. (ر.ک: ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۸۴)

نیز در *اسباب النزول* واحدی (ص ۷۳)، روایتی نبوی وارد شده که صورت باطنی اتم بر من عرضه شده و به همین جهت مؤمن و کافر امت خود را می‌شناسم. این خبر به گوش منافقان رسید آن‌ها از روی تمسخر گفتند: پیامبر خیال می‌کند مؤمن و کافر را می‌شناسد با آنکه ما با او هستیم ولی او ما را نمی‌شناسد. به دنبال استهزای منافقان این آیه نازل شد: «و لا یحسبنَّ الَّذینَ کَفَرُوا أَنَّمَا نُملِیْ لَهُمْ خَیْرًا لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُملِیْ لَهُمْ لَیْزًا دَاوًّا إِنَّمَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِینٌ.» (آل عمران: ۱۷۸)

علامه موسوی سبزواری ذیل این حدیث می‌نویسد: «این روایت بر فرض صحت، با قواعد عقلی هماهنگ است زیرا بعید نیست که خداوند صورت باطنی امت را بر پیامبر(ص) عرضه کند همان‌طور که اعمال امت را بر او عرضه می‌دارد.» (۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۱۱۶)

یا در روایتی از امام صادق(ع) وارد شده که وقتی شیطان از پروردگار خواست که او را از سجده بر آدم معاف کند، به پرستشی که در پیشگاه پروردگار انجام داده بود، استناد کرد. خداوند در جواب او فرمود: «لا حاجة لی فی عبادتک إنما عبادتی من حیث أرید لا من حیث ترید.» (قمی، ۱۳۶۷ق، ج ۱، ص ۴۲)

علامه موسوی سبزواری در تأیید این روایت می‌گوید: «ادله عقلی و نقلی دلالت دارد بر اینکه عبادت باید بر اساس اراده معبود باشد نه اراده پرستشگر. پس آنچه عابد از نزد خود انجام می‌دهد یا نمی‌داند که معبود چنین عبادتی را قصد کرده به مقتضای قاعده عقلی، باطل است.» (۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۳)

نتیجه‌گیری

۱. علامه برای بیان معنا و تعیین مصداق آیات به روایات استناد نموده و در این راستا به مصداق و معانی باطنی هم پرداخته است. این مسئله می‌تواند بیانگر گستره اندیشه او نسبت به تأویل و بطن قرآن کریم باشد.
۲. عدم توجه علامه به روایات اسباب نزول از آن جهت است که وی آیات قرآن را بر هر عصر و نسلی قابل انطباق می‌داند و اغلب روایات این بخش را از باب تطبیق کلی بر فرد تفسیر می‌کند.
۳. به منظور رفع ابهام از چهره ظاهری روایات و یا حل تعارض اخبار، راهکارهایی توسط علامه به کار گرفته شده است. توجه به معانی حقیقی و نیز معانی مجازی از قبیل کنایه، همچنین پرداختن به وجوه مختلف حدیث و تأویل آن‌ها از جمله این روش‌هاست.
۴. به کارگیری نقد سندی و متنی در روایات به صورت هم‌زمان و تأکید بر نقد متنی روایات با تکیه بر مبانی نقد متنی عرضه حدیث بر قرآن و سنت و نیز عرضه آن بر قواعد و اصول عقلی، نشانگر عمق اندیشه‌های فقه الحدیثی علامه موسوی سبزواری است.
۵. علامه از منابع حدیثی فریقین روایت نقل کرده است، اما توجه او به مضمون حدیث و طرد و رد برخی از روایات حاکی از آن است که به برخی از این منابع اعتماد کامل نداشته است.



منابع

۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲. امام عسکری، حسن بن علی؛ التفسیر المنسوب الی الامام العسکری؛ قم: مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۹ق.
۳. بحرانی، سید هاشم؛ البرهان فی تفسیر القرآن؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
۴. بروسوی، اسماعیل؛ روح البیان، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۵. ثعلبی، احمد بن ابراهیم؛ الكشف و البیان عن تفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. حجتی، محمدباقر؛ اسباب النزول؛ تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۹.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۸. حسکانی، عبدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی آیات النازل؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر، ۱۴۱۱ق.
۹. خوئی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة؛ قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۱۰. زرقانی، عبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن؛ مصر: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۴۳م.
۱۱. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۱۳. شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا؛ ترجمه حمیدرضا مستفید و علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۳.
۱۴. _____؛ معانی الاخبار؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
۱۵. _____؛ من لایحضره الفقیه؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۱۶. طباطبائی، محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۸. عیاشی، محمد بن مسعود؛ تفسیر العیاشی؛ قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۱ق.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ قم: دار الکتب، ۱۳۶۷.
۲۰. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ تهران: انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۶۸.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸.
۲۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۲۳. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی علوم القرآن؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۲۴. موسوی سبزواری، سید عبد الاعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن؛ ج ۱-۴، بیروت: مؤسسه اهل بیت، ۱۴۰۹ق.
۲۵. _____؛ _____؛ ج ۵-۸، بیروت: مؤسسه المنار، ۱۴۱۸ق.
۲۶. _____؛ _____؛ ج ۹-۱۱، CD جامع التفاسیر، بی تا.
۲۷. واحدی، علی بن احمد؛ اسباب نزول القرآن؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.